



# بصیرت

مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین دکتر شریفی

## آتش فتنه را خاموش می کند

**فرهنگ پویا: به عقیده شما چه مؤلفه‌هایی در شکل‌گیری «فتنه» در جامعه مؤثرند؟ به دیگر سخن چگونه می‌شود که جامعه دچار بلیه بزرگی به نام فتنه می‌شود؟**

**دکتر شریفی:** سؤال بسیار خوبی است. حقیقتاً اگر ما بخواهیم نگاهی عمیق به احوال جامعه و تدبیری برای اداره آن داشته باشیم، باید بیشتر به آن شرایط فتنه‌خیز در جامعه توجه کنیم. چطور می‌شود یک جامعه دینی، ایمانی و اسلامی دچار فتنه می‌شود؟ علل و عوامل متعددی می‌تواند داشته باشد. یکی از آن شرایط فتنه‌خیز در جامعه، مشته‌سازی حق و باطل است. بالاخره به دلایل مختلف، به انگیزه‌های پست حیوانی و غیر انسانی یا با تبعیت هوی و هوس یا با توطئه‌های دشمنان، بالاخره فضا در جامعه به گونه‌ای می‌شود که حق و باطل با هم مشتبه می‌شوند. به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) ان الفتن اذا اقبلت شبهت؛ فتنه‌ها موقعی که می‌آید مشتبه است. اصلاً فضا یک فضای غبارآلود و مشتبه است.

معمولاً فتنه‌ها در نگاه اول ناشناخته‌اند. اگر مواضع جامعه و عرصه اطلاعات در جامعه شفاف نباشد و همچنین شناخت افراد واقع‌بینانه نباشد، نمی‌توانند درست تشخیص

**امیرالمؤمنین (ع) فتنه را به گردباد تعبیر می‌کند. این تشبیه از جهات مختلف قابل توجه است. یکی این که موقعی که گردبادی بر پا می‌شود، افرادی که درون این فضا قرار گرفته‌اند، اصلاً اطراف‌شان را نمی‌بینند. این فضا مبهم و تاریک و غبارآلود است.**

دهند. طبیعتاً فتنه‌ها به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) آغازی ناشناخته دارند. حضرت این تعبیر را دارند؛ پنکرن مقبلات. موقعی که می‌آید انکار می‌شوند. کسی باور نمی‌کند که جامعه دارد به سمت فتنه می‌رود، حق و باطل به هم مشتبه شده است یا به صورت مخفی و پنهان وارد می‌شوند. آرام آرام فضا برای عده‌ای روشن می‌شود. این هم یکی دیگر از آن شرایط فتنه است.

**فرهنگ پویا: به عنوان اولین سؤال بفرمایید معنا و مفهوم «فتنه» چیست؟**

**دکتر شریفی:** من ابتدا تشکر می‌کنم از حضرت عالی و دوستان نشریه وزین پویا که ترتیب این مصاحبه را دادند. امیدوارم مطالب مفید و قابل استفاده‌ای داشته باشم. در رابطه با تعریف فتنه این نکته را باید عرض کنم که یکی از پربسامدترین واژه‌ها در ادبیات دینی ما، ادبیات قرآن و مخصوصاً ادبیات نهج‌البلاغه، همین واژه فتنه است. معانی متنوع و متعددی برای آن ذکر شده است و در قرآن و نهج‌البلاغه استعمالات و اطلاقات گوناگونی دارد. فتنه به معنای قتل، عذاب الهی، آتش بغی و ستمگری، شرک و گاهی به معنای کفر آمده است. برای هر کدام از این‌ها آیاتی وجود دارد و مصادیق و شواهدی هست، اما از آن معنای فتنه که بیشتر در ادبیات سیاسی و اجتماعی اسلام به کار می‌رود، شاید بشود وجه مشترکی به دست آورد و آن به قول بعضی از محققین، اختلال همراه با اضطراب است. یعنی وضعیت ذهنی، فکری، ایمانی یا اجتماعی یک فرد یا یک جامعه مختل شود و حالت اضطراب و سرگردانی هم در کار وجود داشته باشد. شاید بشود گفت که این معنای حقیقی فتنه است، هر چند در اصطلاح عرفی ما، بعضاً به معنای آشوب‌های اجتماعی هم به کار گرفته می‌شود.

یک معنای رایج فتنه، آزمایش است. فتنه به معنای آزمایش و امتحان الهی است، ولی این معنای سیاسی به نظر بیشتر مربوط به بحث مورد نظر ما هست و بیشتر در ادبیات نهج‌البلاغه نیز به همین معنا به کار گرفته شده است.

آن فضایی که حق و باطل به هم مشتبه‌اند، افراد قدرت تشخیص ندارند و نمی‌دانند حق کدام و باطل کدام است. باطل چهره و لباس حق را پوشیده است. با برخی از باطل‌های پنهان، حق مشتبه شده است. در این فضا که یک فضای اختلال روحی و روانی و فطری رخ می‌دهد و افراد یک حالت اضطراب دارند، نمی‌دانند چه سرنوشتی دچار خودشان و جامعه‌شان می‌شود. اصطلاحاً به این فتنه گفته می‌شود.



یک تعبیری امیر المؤمنین (ع) دارد که به نظرم خیلی دقیق و عمیق است. حضرت فتنه را به گردباد تعبیر می‌کند. این تشبیه از جهات مختلف قابل توجه است. یکی این که موقعی که گردبادی بر پا می‌شود، افرادی که درون این فضا قرار گرفته‌اند، اصلاً اطرافشان را نمی‌بینند. این فضا مبهم و تاریک و غبارآلود است. هوش و حواسشان را از دست می‌دهند، نمی‌دانند چه باید بکنند و چه تصمیمی بگیرند.

دیگر این که کسی که در فضای گردباد دچار می‌شود، اختیار خودش را از کف می‌دهد، نمی‌داند کدام مسیر را برود. مثل پر کاهی در مسیر گردباد می‌ماند. هر کجا باد او را ببرد، با آن می‌رود. با اختیار خودش تصمیم نمی‌گیرد، لذا در فضای فتنه، مدیریت افراد در اختیار فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان است. آن‌ها

ذهنیت و رفتار افراد را شکل می‌دهند. یک وجه تشبیه دیگر آن است که موقع برپا شدن فتنه، دیگر اختیار او حتی در دست فتنه‌گران و فتنه‌انگیزان نیست. فتنه که بر پا شد، ممکن است دامن خود آن‌ها را هم بگیرد. ما داریم جامعه خودمان را می‌بینیم. این فتنه‌ای که فتنه‌گران و سران فتنه در جامعه ما بر پا کردند، بیشتر از مردم دامن خودشان را گرفته است. خودشان را به قعر قهر مردم کشاند، به حدی که از چشم‌ها افتادند، از ذهن‌ها خارج شدند، ابهتی که داشتند، سابقه نیکویی داشتند؛ همه این‌ها را از دست دادند.

اما سؤال حضرت عالی عمیق‌تر بود، این که چطور می‌شود جامعه دچار فتنه می‌شود. بسترهای ایجاد این فتنه چیست؟ به نظر بنده اگر مخصوصاً خواص جامعه دچار ثروت‌گرایی و مال‌پرستی شوند، این یکی از زمینه‌های جدی ایجاد فتنه در جامعه است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: آن لکل امة فتنه و فتنه امتی المال؛ هر امتی یک فتنه و وسیله آزمایش دارد؛ فتنه امت من مال است. اگر امت من مخصوصاً به سمت ثروت آمدند، آن موقع باید منتظر فتنه بود. این یکی از مهم‌ترین دلایل وقوع فتنه در جامعه است. بیشتر فتنه‌هایی که در عالم اسلام رخ داد، مخصوصاً در دوران حکومت امیر المؤمنین علیه السلام عاملش همین بود. شما حزب قاعدین را ببینید. کسانی مثل «زید بن ثابت» علی‌رغم سابقه بسیار درخشانی که داشت، اما با حضرت بیعت نکرد. وقتی در تاریخ بررسی می‌شود، می‌بینید دلیل عمده‌اش ثروت‌پرستی و مال‌گرایی بود. آن قدر پول

داشت که می‌گفتند بعد از مرگش با تبر شمش‌های طلا و نقره‌اش را جدا می‌کردند. خب معلوم است که این فرد نمی‌تواند با امیر المؤمنین علیه السلام بیعت کند. یا مثلاً از گروه مقدس مابان تهی مغز و خشک مقدس‌های

**اگر مردم بدون تعقل و تدبیر به دینداری بپردازند، با اندک شبهه‌ای از ناحیه دشمنان، دل‌شان خالی می‌شود و آن قدرت مقاومت را از دست می‌دهند. طبیعتاً زمینه برای ایجاد فتنه فراهم می‌شود.**

**اگر ارتباط مسئولان ادارات و حاکمان با مردم ارتباطی سالم نباشد، به عنوان مثال اگر رشوه‌گیری در یک جامعه رواج پیدا کند، فساد اداری و مدیریتی رشد خواهد کرد. این می‌تواند زمینه فتنه باشد.**

بی‌بصیرت فردی مثل ابو موسی اشعری یک فتنه بزرگ صفین را با بی‌بصیرتی خودش پدید می‌آورد. سران فتنه جمل یعنی طلحه و زبیر هم همین‌طور. یکی از مهم‌ترین عوامل فتنه‌انگیزی آن‌ها همین مسئله بود؛ همین که پیامبر می‌فرمود فتنه امتی المال. همین پول‌های هنگفتی که این‌ها در دوران خلفای قبلی جمع کرده بودند، این‌ها نمی‌توانستند با حکومت عدل علی راه بیابند.

یکی دیگر از زمینه‌های فتنه در جامعه این است که اگر دینداری مردم یک دینداری غیرعالمانه و سطحی باشد، این بستر لازم را برای بروز فتنه در جامعه اسلامی ایجاد می‌کند. اگر مردم بدون تعقل و تدبیر به دینداری بپردازند، با اندک شبهه‌ای از ناحیه دشمنان، دل‌شان خالی می‌شود و آن قدرت مقاومت را از دست می‌دهند. طبیعتاً زمینه برای ایجاد فتنه فراهم می‌شود و فتنه‌گران از این فضا به خوبی استفاده می‌کنند. در روایات هم به این تأکید و تصریح شده است که فرمودند اگر جامعه به گونه‌ای بود که دینداری سطحی داشت و حقایق قرآن را نفهمید و عمیق درک نکرد، این جامعه باید منتظر وقوع فتنه باشد.

روابط ناسالم اداری و حکومتی یکی دیگر از زمینه‌های فتنه است. در روایات هم روی این موضوع تأکید شده و واقعیت جامعه اسلامی هم این را نشان می‌دهد. اگر ارتباط مسئولان ادارات و حاکمان با مردم ارتباطی سالم نباشد، به عنوان مثال اگر رشوه‌گیری در یک جامعه رواج پیدا کند، فساد اداری و مدیریتی رشد خواهد کرد. این می‌تواند زمینه فتنه باشد. نتیجه فسادها این می‌شود که مردم حمایت اعتقادی و ارزشی‌شان را از حکومت اسلامی از دست می‌دهند و آن‌ها که می‌خواهند فتنه کنند و در صدد «تضعیف» حکومت اسلامی هستند، زمینه مناسب سرعت بخشیدن به کارشان پیش می‌آید.

یکی دیگر از بسترهای اجتماعی وقوع فتنه، نادانی و بی‌تفاوتی مردم در مسائل اجتماعی و سیاسی است. اگر مردم به مسائل اجتماعی‌شان آگاه نباشند و نسبت به مسائل اجتماعی‌شان بی‌تفاوت باشند، این زمینه وقوع فتنه خواهد بود؛ لذا ما هر چه بصیرت و آگاهی مردم را بیشتر کنیم، آن سلاح مهم را از دست فتنه‌گران گرفته‌ایم و آن‌ها را خلع سلاح کرده‌ایم. در دوران امیر المؤمنین علیه السلام جامعه‌ای که می‌آیند دور شتر عایشه همسر پیامبر که در جنگ جمل فرمانده سپاه مقابل امیر المؤمنین علیه السلام بود را می‌گیرند، تمام هم و غم‌شان این بود که اگر این شتر پیش‌شکل کرد بگیرند و به بدن‌شان بمالند و بگویند که بوی پیش‌شکل شتر ما بوی بهشت می‌دهد. این جامعه جاهل و نادان چطور می‌تواند معرفت علوی را تحمل کند و بفهمد که حق کجاست و باطل کیست؟ در نامه‌ای معاویه به امیر المؤمنین علیه السلام نوشت: یا علی! من با گروهی به جنگ تو می‌آیم که وقتی به آن‌ها می‌گویم روز چهارشنبه بیاید نماز جمعه بخوانیم، همه می‌آیند. این مردم نادان و جاهل طبیعتاً زمینه فتنه دارند و ابزاری در دست فتنه‌گران هستند. به نظرم این‌ها بسترهای اجتماعی وقوع فتنه در جامعه اسلامی می‌تواند باشد.

**فرهنگ پویا: این پاسخ شما در واقع ناظر به «بسترهای درونی شکل دهنده فتنه» بود، به اعتقاد شما بسترهای بیرونی و مشخصاً نقش دشمنان در شکل‌گیری فتنه چگونه است؟**



فتنه زده شد، او را نباید سرزنش کرد، چون همه مردم در یک سطح بالایی نیستند. وقتی بصیرت داده می شود، حقیقت آشکار می شود. می بینید که مردم بدون هیچ چشم داشت و نگرانی دست برداشتند و در این جبهه ولایت قرار گرفتند. وقتی غبارها نشست، معلوم شد که عده ای می خواستند از آن صداقت مردم سوء استفاده کنند

**در نامه ای معاویه به امیر المؤمنین (علیه السلام) نوشت:**  
**یا علی! من با گروهی به جنگ تو می آیم که وقتی به آن ها می گویم روز چهارشنبه بیایید نماز جمعه بخوانیم، همه می آیند. این مردم نادان و جاهل طبیعتاً زمینه فتنه دارند و ابزاری در دست فتنه گران هستند.**

**فرهنگ پویا: شما به چهار مؤلفه: مال پرستی، دینداری غیر عالمانه، روابط ناسالم حکومتی و**

**چهل مردم به عنوان بسترهای شکل دهنده فتنه اشاره کردید. اگر بخواهیم این مؤلفه ها را با فتنه اخیر در کشور تطبیق دهیم، این مهم چگونه میسر است؟**

**دکتر شریفی:** اگر تامل جدی داشته باشیم، می بینیم همه این ها در این فتنه اخیر تأثیر داشتند. یک عده سران فتنه حرفشان این بود که ما باید قدرت را به دست بگیریم. ادبیات اسلامی این نیست. ادبیات اسلامی، خدمت است. ما باید کمک کنیم که حکومت و جامعه اسلامی به عدالت و پیشرفت دست پیدا کند، نه این که ما قدرت داشته باشیم. این قدرت طلبی باعث شد که بنشینند نقشه بکشند که به هر طریقی شده ما به این قدرت دست پیدا کنیم. گول زدن مردم، غبار آلود کردن فضا با دروغ پراکنی های بزرگ و مایوس کردن مردم از اوضاع؛ همه به آن عامل اصلی که همان قدرت طلبی است، بر می گردد.

از طرف دیگر، بالاخره دولتی شکل گرفته بود که شعارش عدالت بود و مبارزه با فقر و فساد و تبعیض؛ مخصوصاً فسادهایی که عده ای از منتسبین حاکمیت در دوره های گذشته به آن دچار شده بودند و یک شکاف عظیم طبقاتی در جامعه رخ داده بود. این دولت می خواست با این ها مبارزه و شاهرگ های نامشروع اقتصادی این ها را قطع کند. خب این ها احساس خطر کردند. یکی از عوامل ایجاد این فتنه همین بود که دستشان از ثروت قطع می شود. تصورشان این بود که اگر این دولت ادامه پیدا کند و اگر مردم با رای و پشتوانه ای بالا این دولت را انتخاب کنند، دیگر نمی توانند مقاومت کنند و دولت با پشتوانه عظیم مردمی و کمک قوه قضاییه می تواند با این ها مواجهه قوی تری داشته باشد و دست این ها را از این ثروت ها

**دکتر شریفی:** حقیقت امر این است که دشمنان دین که در پی ایجاد فتنه ها در جامعه اسلامی هستند، از همین بسترها استفاده می کنند. یعنی اگر جامعه ما آگاه باشند، دشمن نمی تواند از این مسئله سوء استفاده کند، دشمن نمی تواند مردم را با شایعه پراکنی و ایجاد یأس از حکومت اسلامی ناامید کند و از اطراف ولایت فاصله بدهد. اگر جامعه روابط اداری سالم داشته باشد و مردم با وجودشان این را لمس کنند، دیگر خلأیی وجود ندارد که دشمن از آن سوء استفاده کند. اگر حاکمان و خواص جامعه ما اعم از دانشگاهی و حوزوی دنبال ثروت و قدرت و شهوت نباشند، دشمنان نمی توانند در این ها طمع بورزند. نمونه های تاریخی را ببینید؛ معاویه خیلی تلاش کرد که «قیس بن سعد بن عباد» را که یکی از یاران مخلص امیر المؤمنین (علیه السلام) بود، به استخدام خودش در بیاورد. وی خیلی زندگی شفاف و آموزنده ای داشت. سعد بن عبادی که در قضیه سقیفه با خلیفه اول بیعت نکرد، او را کشتند و جنیان را قاتل او معرفی کردند. قیس فرزند همین سعد بن عباد هم از یاران امیر المؤمنین (علیه السلام) بود. معاویه حتی به او وعده حکومت بر نصفی از

جهان اسلام را داد به شرط این که دست از علی بردارد. قیس قبول نکرد و گفت: اگر تمام دنیا را هم به من بدهی، تحت هیچ شرایطی این کار را نمی کنم. لذا دشمن نمی تواند در چنین فردی طمع بورزد و از او استفاده کند.

ویژگی فتنه این است که دشمن عملاً خودش وارد نمی شود؛ یعنی رأساً و مستقیماً وارد مقابله با جبهه اسلام نمی شود، بلکه از طریق تحریک عوامل داخلی اش اقدام می کند. چه کسی می تواند عامل دشمن بشود؟ کسانی که این ضعف های اخلاقی، اعتقادی و دینی را داشته باشند. عموم مردم هم موقعی از این ها تأثیر می پذیرند که آن اعتقاداتشان را نسبت به حکومت اسلامی از دست داده

باشند که الحمدلله در جامعه ما عموم مردم همچنان که مقام معظم رهبری فرمودند، تحت تأثیر تبلیغات دشمن واقع نشدند. اگر در برهه ای به خصوص هفته اول بعد از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری عده ای مخصوصاً در تهران توی خیابان آمدند، باز هم عامل آن حق طلبی مردم بود. مردم فکر می کردند حتی از آن ها ضایع شده و عده ای علیه حکومت اسلامی اقدام کرده اند. این طور جلوه داده شد، ولی بلافاصله که فهمیدند، همه کنار رفتند و این را باید غنیمت شمرد.

این روایت را داریم که می فرماید: لیس کل مفتونٍ معاقب؛ هر کس که





و اموال بادآورده کوتاه کند.

وقتی دقیق بشویم، می بینیم که سران این فتنه همه آلوده به این نوع اموال و روابط ناسالم اداری هستند. کسی که رسماً و علناً رشوه گیری می کند، اسمش را رشوه نمی گذارد، بلکه می گوید هدیه ای از یک بنده خیرخواه خدا به من مسئول مملکتی داده شده که در امور خیریه و رسیدگی به فقرا هزینه کنم. این همان عوامفریبی است

**کسی اگر فکر کند این فتنه بعد از انتخابات یا چند روز مانده به انتخابات شکل گرفت. اشتباه فکر می کند. من فکر می کنم حداقل بیست سال است که برای این فتنه برنامه ریزی کرده اند.**

و این که گفته می شود حق و باطل با هم مشتبه می شوند، همین است. آن موقع سیصد میلیون تومان، پانصد میلیون تومان از یک فردی گرفته شده است. این یک نمونه اش است که ما

شنیده ایم. مردم ما می دانند کسی که دچار این آلودگی شده باشد، طبیعتاً در مقابل یک حکومتی که می خواهد با این ها مبارزه کند، دست به فتنه می زند که فضا را غبار آلود کرده و ماهی مراد خودش را صید کند.

یکی دیگر از عوامل، نادانی و جهل مردم بود. من نمی گویم تمام مردم. یعنی فضا به گونه ای شکل پیدا کرد که مردم نمی توانستند درست تشخیص بدهند. معمولاً در فضای فتنه هم همین طور است، چون از چهره هایی استفاده می شود که سوابق خوب و درخشان داشته باشند. لاف از نگاه مردم این باشد که این ها سوابق خوبی داشته اند.

این ها را ابزار قرار می دهند، لذا تشخیص آن واقعاً دشوار است. مثل فتنه های زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) خلیلی دشوار است. این طرف طلحه بود. او نهمین نفری بود که به پیامبر گروید. زبیر

هم چهارمین یا پنجمین جوانی بود که در آن جو خفقان مکه به پیامبر گروید. عایشه همسر پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم با آن ها بود. کسی که آن همه مورد اطاعت مردم است و به تعبیر امیرالمؤمنین (علیه السلام) که می فرمود: عایشه اطوع الناس فی الناس؛ در آن دوران مطیع ترین مردم، بیشترین ارادت و اطاعت را به عایشه داشتند. طرف دیگر امیرالمؤمنین (علیه السلام) و عده ای از صحابه پیامبر حضور داشتند. تشخیص حق در این جا خیلی دشوار است. بعد از انتخابات هم فضا همین طور شده بود، لذا مردم نیازمند دقت فراوان بودند که بفهمند در پشت برخی کلمات فرضاً قانون گرایی، یا این عبارت که من آمدم جلوی این دروغ را

**در زمان حضرت امام (علیه السلام) به دلیل آن ویژگی های شخصیتی ایشان و آن اعتقاد با تمام وجود مردم به حضرت امام، خیلی روشن بود که این ها نمی توانند فتنه گری کنند.**

بگیرم، چه نهفته است.

### فرهنگ پویا: مقام معظم رهبری به نقش «خواص مردود» در این فتنه اشاره کردند. شما نقش این گروه را چگونه ارزیابی می کنید؟

**دکتر شریفی:** به نظر من این خواص آلوده به دنیا و قدرت، نقش صد در صدی داشته اند. منتها نقش این خواص در دوران ما

با دوران گذشته تفاوت هایی داشت. یک عده از خواص با سکوت، حقایق را برای مردم بیان نکردند. یک عده از خواص در جامعه شخصیت اجتماعی یا علمی داشتند، اما بصیرت و درایت سیاسی و فهم نسبت به اوضاع و احوال جهانی نداشتند، لذا از بعضی ها حمایت کردند. تصور عده ای این بود که مثلاً این انتخابات اخیر ما، انتخابات بین دو رقیب در جمهوری اسلامی است، واقعاً بسیاری از مردم و



خواص این طور فکر می کردند که مثل همه دوره های دیگر، رقابت بین دو کاندیدا است. اما حقیقت چیز دیگری بود. به نظر بنده اگر کسی فکر می کرد که اگر کسی از آقای الف حمایت می کند این دلیل اصول گرا بودن اوست، اشتباه می کرد. اصلاً بحث انقلاب بود و ضدانقلاب؛ منتها در لایه های زیرین انقلاب. انتخابات اخیر در این فضا بود. خواص در این قسمت اشتباه کردند. جالب است هنوز هم برخی از آن ها باور نکرده اند که ابزاری در دست دشمنان انقلاب و اسلام بوده اند. این خواص باعث انحرافات شدند و بسیاری از مردم هم که این فضا را نگاه می کردند، می گفتند پس خطری انقلاب را تهدید نمی کند، به همین دلیل این ها حمایت می کردند.

الحمدلله در این دوران ها مردم خودشان بصیرت ویژه ای دارند. امام (علیه السلام) و انقلاب با این مردم کاری کرد که خیلی سریع تشخیص می دهند که حرف های این آقایان از کجا ناشی می شود. صرفاً این که یک سابقه و برجستگی هایی داشته باشند، مردم سریع تحت تأثیر قرار نمی گیرند. به نظر من یک دلیل دیگر آن، تجربه های متعدد تاریخی تشیع است که ما تجربه های زیادی داشتیم و از خواص بی بصیرت گول خوردیم. در طول تاریخ تشیع، کلاه های گشادی از خواص بی بصیرت سر شیعیان رفته و این ها را مجرب کرده است و به این سادگی تحت تأثیر قرار نمی گیرند، لذا عموم مردم ما پیش گام خواص شدند. به تعبیر دیگر باید بگویم خواص اصلی مردم بودند و عده ای که در ظاهر خواص بودند، نشان دادند که این طوری نیست.

### فرهنگ پویا: آیا این گروه از خواص، عامدانه به فتنه دامن زدند؟

**دکتر شریفی:** بله به طور قطع. منظور ما از خواص، شخصیت های برجسته سیاسی، دینی، اجتماعی و علمی جامعه است. یک عده به



و ابهت حضرت امام بر مردم آشکارتر شد و امکان ایجاد فتنه نبود، اما بعد از حضرت امام، دیگر همه آن عواملی که گفتم خودش را نشان داد، اما سریع نه. یک کینه‌هایی ایجاد شد که فرد می‌گفت ما تا به حال با هم دوست و هم بحث بودیم، حالا یک دفعه شد رهبر. این برایشان سخت بود. یک عده کمی هم در همان مجلس خبرگان با ولایت امری مقام معظم رهبری مخالفت کردند. این مخالفت‌ها صوری و لحظه‌ای و مقطعی نبود. بعد هم عملاً نشان دادند این‌ها ادامه دارد. به صراحت این تعبیر را به کار گرفتند که فکر می‌کردند مقام معظم رهبری دل به تخت و تاج و مقام دارد و این طوری می‌خواستند ایشان را از تخت پایین بیاورند. خب نمی‌فهمند که برای امثال مقام معظم رهبری، اصل اسلام و انقلاب مهم است و اصلاً فرد اهمیتی ندارد. حضرت امام بیشترین دفاع را از ولایت فقیه داشت و الان مقام معظم رهبری بیشترین دفاع را از جایگاه مقام ولایت دارد. اگر کسی فکر کند برای خودش است، به نظر خیلی نادان است. بعد از زمان حضرت امام آرام آرام فتنه‌ها شکل گرفت. فتنه یک دفعه ایجاد نمی‌شود از همین زمان، ادبیات انقلاب ما هم عوض شد. انقلاب ما انقلاب دفاع از مستضعفین عالم و علیه مستکبرین بود. این الفاظ اصلاً عوض شد. بعد از امام غیر از مقام معظم رهبری کدام یک از مسئولان حکومتی این ادبیات را به کار گرفتند؟ هیچ‌کدام. به تعبیر یکی از دوستان، مستضعفین شدند قشر آسیب‌پذیر و مستکبرین شدند قدرت‌های جهانی. از بحث عدالت اجتماعی، به توسعه تعبیر شد. من در خاطرم هست که علامه حضرت آیت الله مصباح یزدی چقدر با این واژه در افتاد. این واژه یک لوازمی در پی داشت. یک مقدمات و مؤخراتی دارد. یک ادبیات خاصی را در ذهن و زبان مردم ایجاد می‌کند. همه این‌ها به یک معنا زمینه‌ها را برای فتنه ایجاد کرده است که دل‌ها و ذهن‌ها را از مسیر ولایت خارج کند و آرام‌آرام از مغز و محتوای آن به سمت تهی کردن نظام برود. مقام معظم رهبری

**اگر بصیرت رهبری و استقامت و درایت ایشان در مقابل این فتنه‌گران نبود، مطمئناً الان کشور ما اوضاعی فوق‌العاده اسف‌بار می‌داشت. نه این‌که فتنه‌گران پیروز می‌شدند، نه، بلکه کشور به یک آشوب عظیم و بحران لاینحل گرفتار می‌شد.**

یک موقع بحث صورت و سیرت انقلاب را مطرح کرد. فرمودند مبدا صورتی از انقلاب باقی بماند قلبی از انقلاب باقی بماند، اما محتوای انقلاب از دست برود. حتی با اعضای مجلس خبرگان رهبری اتمام حجت کردند و فرمودند مواظب باشید هر کسی به اندازه سهم خودش، مبدا یک موقع از انقلاب فقط شکلی بماند. پشت صحنه نقشه‌هایی کشیدند و اصطلاحاتی مثل جامعه مدنی را وارد جامعه ما کردند. هرچه فریاد زدیم که جامعه مدنی لوازم



طور قطع این کار را کردند و اصلاً طراحی می‌کردند. به نظر بنده این فتنه مال دوران اخیر نبود. کسی اگر فکر کند این فتنه بعد از انتخابات یا چند روز مانده به انتخابات شکل گرفت، اشتباه فکر می‌کند. من فکر می‌کنم حداقل بیست سال است که برای این فتنه برنامه‌ریزی کرده‌اند. همه شواهد هم این را نشان می‌دهد. آن طرف مستندهایی نشان می‌دهد که این‌ها بیست سال است برای این طور ایامی برنامه‌ریزی کرده‌اند و اتفاقاً در اعترافات خودشان هم بود. بعضاً اعتراف می‌کردند که ما بیست سال است سکوت کردیم، بیست سال تحمل کردیم، حالا آمدم کار را تمام کنیم. این‌ها مثل زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) یک خواص خود فروخته‌اند. مگر زمان امام حسن فرمانده سپاه ایشان، خودش را به معاویه نفروخته بود؟ همان باعث شد که بر امام حسن صلح تحمیلی واقع شود. من عرض کردم که دشمنان مستقیماً در فضای فتنه لشکرکشی نمی‌کنند. هر چند این دفعه هم ناشی‌گری کردند و دست‌شان خیلی سریع رو شد، اما در عین حال دشمنان از طریق مزدوران و مهره‌های داخلی‌شان این کار را می‌کردند. این مهره‌های داخلی آن‌ها، همین عده‌ای از خواص جامعه بودند که دل‌داده اندیشه، رفتار و وعده‌های غرب شده بودند و فکر می‌کردند که می‌توانند در جامعه اسلامی ما هم کاری پیش ببرند. **فرهنگ پویا؛ شما به این نکته اشاره نمودید که فتنه اخیر از حدود بیست سال قبل برنامه‌ریزی شده است. در تاریخ سیاسی ایران، بیست سال قبل دقیقاً مصداق است با رحلت امام و رهبری حضرت آیت الله خامنه‌ای. آیا منظور شما این است که فتنه اخیر در صدد مقابله مستقیم بر ضد رهبری به منظور زیر سؤال بردن و به زعم آنان براندازی ولایت فقیه بوده است؟**

**دکتر شریفی:** من توضیح بیشتری می‌دهم. در زمان حضرت امام (علیه السلام) به دلیل آن ویژگی‌های شخصیتی ایشان و آن اعتقاد با تمام وجود مردم به حضرت امام، خیلی روشن بود که این‌ها نمی‌توانند فتنه‌گری کنند. دقیقاً اگر بخواهیم تشبیه کنیم مثل زمان پیامبر بود. در زمان پیامبر فتنه‌ای وجود نداشت. خود امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم درباره موقعی که آیاتی در مورد فتنه نازل شد که «آیا مردم گمان می‌کنند که ایمان آوردند و ما آن‌ها را رها کردیم، نه و ما این‌ها را امتحان می‌کنیم» می‌فرماید: من یقین داشتم تا زمانی که پیامبر بین ما هست، فتنه‌ای رخ نمی‌دهد؛ لذا از پیامبر پرسیدم منظور چه موقع است و کیست و چه فضایی است؟ دقیقاً در زمان امام همین طور بود. فتنه‌ای به این معنا در زمان امام وجود نداشت که اصل حکومت اسلامی و اصل ولایت فقیه را زیر سؤال ببرد. اوایل انقلاب با فرماندهی کسی که مرجع تقلید بود، فتنه عظیمی شکل گرفت که شکست خورد. آشوب بزرگی در منطقه شمال غربی کشور در آذربایجان رخ داد، اما نتوانستند راه به جایی ببرند. روز به روز عظمت



دشمن در این فضا خلع سلاح شد. بعد مهلت داده شد و رهبری مدارا کردند. و این تدبیر بزرگی بود که حتی تعجب برخی از کسانی که خیلی هم ولایی بودند، برانگیخت. رهبری با درایتشان اجازه دادند که گرد و غبار نشست و مردم حقیقت را فهمیدند.

**فرهنگ پویا: آقای دکتر! پس از فتنه ۱۸ تیر، این معضل سریع با حضور مردم در راهپیمایی ۲۳ تیر، حل شد، اما الان می بینیم که پس از انتخابات ۲۲ خرداد تا دی ماه این فتنه ادامه پیدا کرده و پس از راهپیمایی عظیم ۹ دی نیز جسته و گریخته و البته بسیار اندک این فتنه ادامه پیدا کرده است. به نظر شما چرا آتش این فتنه هنوز به طور کامل خاموش نشده است؟**

**دکتر شریفی:** این دو فتنه خیلی متفاوت است؛ یعنی عمق فتنه فعلی غیر قابل مقایسه با آن فتنه سال ۷۸ است. فتنه آن سال با بستن یک روزنامه شروع شد که یک حرکت محدود و از عده‌ای فریب‌خورده بود و عمقی نداشت و خیلی به بدنه اجتماعی نفوذ نکرده بود. مردم با یک راهپیمایی آن‌ها را جمع کردند و پرونده شان را پیچیدند.

در فتنه دوم خیلی مجرب شده بودند. بعد از آن فتنه قبلی، ۱۰ سال

مهلت برنامه‌ریزی داشتند. آن‌ها سطوحی از جامعه را تحت تأثیر خودشان قرار داده بودند. با ایجاد شبکه‌های اجتماعی، پشتوانه‌های خارجی متعددی؛ NGO ها، ابزار تبلیغی فراوان و پشتوانه‌های خارجی متعدد؛ خیلی زنده‌تر و عمیق‌تر شده بودند. در انتخابات اخیر خیلی ادعاهای حق به جانبی می کردند و مظلوم‌نمایی داشتند. دفاع از امنیت، دفاع از جمهوری اسلامی و دفاع از امام؛ شعارشان بود. کاملاً با فتنه قبلی متفاوت بود. طبیعتاً خاموشی کردن این فتنه زمان‌بر بود. چهره‌ها و نوع نگاه‌ها متفاوت بود. اصلاً شعارها در این فتنه متفاوت بود. چهره‌ها و سردمداران فتنه، آرم‌های مقدس و چهره‌های باسابقه بودند. به این سادگی نمی شد مردم را قانع کرد؛ چون مردم پشتوانه اصلی نظام هستند. مردم باید خودشان می فهمیدند. باید تدبیری به خرج داده می شد که حقایق واقعاً بر مردم مکشوف می شود و این زمانبر است و طول می کشد.

**فرهنگ پویا: به عقیده شما این فتنه با راهپیمایی ۹ دی به طور کامل جمع شده است؟**

**دکتر شریفی:** بله، البته این‌ها سکوت نخواهند کرد و دست بر نمی دارند، مسیرشان را عوض خواهند کرد. این‌ها خیلی روشن است، ولی اگر انتظار داشته باشیم که یک پشتوانه اجتماعی داشته باشند یا حتی در دل خودشان اعتمادی به آن تکیه‌گاه‌های اجتماعی داشته باشند، چنین چیزی وجود ندارد. خودشان کاملاً فهمیده‌اند. البته شکرده‌شان را عوض خواهند کرد. آن شکرگرد را در نهضت

و شرایط دارد و با میانی ما، نظام جمهوری اسلامی و نظام ولایت ناسازگار است، گفتند آقا شما مخالف پیشرفت هستی، مخالف جهان هستی، با جهان که نمی شود در افتاد. ما اصلاً با جهان در افتادیم، ما آمدیم انقلابی ایجاد کردیم که در دنیا بی سابقه بود. می خواستیم کار خودمان را داشته باشیم، اما متأسفانه این‌ها سستی در دین و اعتقاد را در این فضا ایجاد کردند. عده‌ای از حوزویان و دانشگاهیان همه تحت تأثیر این ادبیات قرار گرفتند و زمینه برای این فتنه ایجاد شد. اگر ملاحظه بفرمایید، یک عده اندکی از حوزویان که گرفتار این فتنه شدند، کسانی بودند که ادعای روشنفکری داشتند. جالب بود که ادعای آگاهی نسبت به مسائل روز را داشتند، در حالی که خودشان



**حضرت امام بیشترین دفاع را از ولایت فقیه داشت و الان مقام معظم رهبری بیشترین دفاع را از جایگاه مقام ولایت دارد. اگر کسی فکر کند برای خودش است، به نظرم خیلی نادان است.**

را مسحور این ادبیات رایج غرب کرده بودند؛ همین ادبیاتی که عده‌ای در جامعه ما رواج دادند و این‌ها هم فکر می کردند این دیگر علایم روشنفکری و پیشرفت است.

این‌ها همه مسائلی بود که به نظر بنده بعد از رحلت حضرت امام در جامعه شکل گرفت و مراکزی دائماً مترصد بودند که به گونه‌های مختلف بتوانند قدرت ولایت را کم و بین مردم و ولایت فاصله ایجاد کنند تا به هدف اصلی خودشان برسند.

**فرهنگ پویا: نقش رهبری و مدیریت مقام معظم رهبری در مقابله با این فتنه را چگونه ارزیابی می کنید؟**

**دکتر شریفی:** به نظرم اگر کسی بدون غرض نگاه کند، متوجه می شود که واقعا آن عظمت رهبری و عظمت ولایت در این جا نشان داده شد. اگر بصیرت رهبری و استقامت و درایت ایشان در مقابل این فتنه‌گران نبود، مطمئناً الان کشور ما اوضاعی فوق‌العاده اسفبار می داشت. نه این‌که فتنه‌گران پیروز می شدند، نه، امکان نداشت که این‌ها حکومت را در دست بگیرند و فکر کنید که یک حزب دیگری حاکم شود، اصلاً این‌طور نبود؛ بلکه کشور به یک آشوب عظیم و بحران لاینحل گرفتار می شد. این بصیرت و درایت رهبری و قدرت امامت و ولایت بود که این غبارها فرو نشست و زمینه برای فهم و اقناع مردم فراهم شد.

بازشماری مجدد آرا، بهانه اولیه بحث قلب در انتخابات را تدبیر کرد و

**شعارها در این فتنه متفاوت بود. چهره‌ها و سردمداران فتنه، آرم‌های مقدس و چهره‌های باسابقه بودند. به این سادگی نمی شد مردم را قانع کرد؛ چون مردم پشتوانه اصلی نظام هستند. مردم باید خودشان می فهمیدند.**



اعلامیه دادن آورده‌اند. این خیلی روشن است که به این سمت آمده‌اند. چهره‌های تقریباً موجه‌تری را جلو می‌آورند که با اعلامیه‌ها سعی کنند یک طوری سران فتنه را بری کنند، طوری دامن‌شان را پاک کنند که زمینه‌ای برای برگشت به حکومت را داشته باشند، به تعبیر خودشان بازگشت به قدرت را داشته باشند. نظام باید خیلی مواظب باشد، مردم باید خیلی مواظب باشند که این‌ها می‌خواهند در اظهاراتشان که ممکن است مسالمت‌جویانه هم باشد، دامن این‌ها را پاک جلوه دهند و دوباره آبرویی برای آن‌ها بخرند. این کار را خواهند کرد. طبیعتاً شیطان از منحرف کردن آرام نمی‌نشیند، اما آن فتنه با آن بدنه اجتماعی به طور قطع جمع شده و پشتوانه خودش را از دست داده است.

**فرهنگ پویا: یعنی این اعلامیه، یک نوع فرار به جلو است؟**  
**دکتر شریفی:** بله. در اصل برای آینده خودشان زمینه فراهم می‌کنند تا بگویند ما از همان اول هم دنبال اندیشه و شعارهای امنیت، عدالت، آزادی و امثال این‌ها بودیم. ما می‌خواهیم خدمت کنیم. مردم باید آرامش داشته باشند. مردم آرامش دارند، خود آنها آرامش ندارند و دست‌شان هم کاملاً رو شده است. آن‌ها به یک مسیر دیگر خواهند رفت.

**فرهنگ پویا: نقش کشورهای خارجی و به ویژه رسانه‌های دروغ پراکنی مثل شبکه تلویزیونی BBC، رادیو فردا و WOA در ایجاد و ادامه این فتنه را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

**دکتر شریفی:** نقش این‌ها اصلاً نباید نادیده گرفته شود. خودشان و اندیشمندان آن‌ها نقش زیادی داشتند. مثلاً جین شارب در کتاب «از دیکتاتوری تا دموکراسی» به صراحت می‌گوید که آن مزدوران داخلی، آن سران فتنه باید یک کاری کنند که زمینه را برای حمایت‌های رسانه‌ای، مالی و تبلیغاتی معنوی خارجی‌ها فراهم کنند، ولو از طریق مراکز و سازمان‌های خیریه خارجی. صراحتاً می‌گوید این‌ها همه در دست سران ابرقدرت‌ها است. نباید از نقش رسانه‌ها غفلت کرد و جمهوری اسلامی هم باید در بخش رسانه‌ها خیز جدی بردارد. رسانه‌ها نقش آفرینی فراوانی در جنگ نرم و ایجاد فتنه در جامعه اسلامی دارند. به طور مشخص دو سایت در این فتنه خیلی نقش آفرین بودند؛ سایت فیس‌بوک و سایت توئیتر. این‌ها از طریق شبکه‌های اس‌ام‌اس و ایمیل خیلی راحت می‌توانستند چند هزار نفر را در چند دقیقه سازماندهی کنند و به یک نقطه بکشانند. این‌ها نشان می‌دهد که در این فتنه از این فضای رسانه‌ای غربی استفاده کردند. آن‌ها تمام تلاششان را کردند، حمایت کردند و آموزش دادند. آن‌ها برای فیلتر شکنی در سایت‌ها و دستیابی به ماهواره، در حد کاملاً حرفه‌ای آموزش می‌دادند که افراد غیر حرفه‌ای هم به سادگی بتوانند از این‌ها بهره‌برداری کنند. آن‌ها تمام تلاششان را در این قسمت کردند و البته کاملاً هماهنگ شده بود؛ یعنی واقعا خط می‌دادند، لذا برخی از تحلیل‌گران ما پیش‌بینی می‌کردند که حرکت بعدی آن‌ها چیست. دلیلش هم این بود که آن نقشه‌ها را می‌شناختند و کتاب‌هایی که این‌ها تولید کرده بودند را می‌خواندند. همین کتاب «از دیکتاتوری تا دموکراسی» در این دوران فتنه، کتاب مقدس این‌ها بود. آن‌ها کاملاً

جین شارب در کتاب «از دیکتاتوری تا دموکراسی» به صراحت می‌گوید که آن مزدوران داخلی، آن سران فتنه باید یک کاری کنند که زمینه را برای حمایت‌های رسانه‌ای، مالی و تبلیغاتی معنوی خارجی‌ها فراهم کنند، ولو از طریق مراکز و سازمان‌های خیریه خارجی.

گفته‌اند که برای پیاده کردن اسلام آمریکایی چه باید کرد. البته من تعبیر اسلام میانه‌رو را می‌گویم، منتها اسلام میانه‌رو یعنی اسلام لیبرال. آن‌ها در جوامع اسلامی مخصوصاً در ایران نقش آفرینی کردند؛ هم از نظر مالی کمک کردند و هم از نظر آموزش دهی. قبل از این فتنه، در کشورهای اطراف ما هم دوره‌های آموزشی برگزار کردند و هم از این سایت‌ها استفاده بردند. علناً و رسماً هم سران استکبار از این‌ها حمایت کردند و دلگرمی دادند و اعلام پشتیبانی کردند. بعضاً حتی این‌ها نماد آن‌ها را با خودشان حمل می‌کردند. اگر در تصویرها دقت می‌کردید، در این ایام وزیر امور خارجه آمریکا هر کجا می‌رفت، لباس سبز می‌پوشید. عملاً می‌خواست بگوید که ما هم جنبش سبز هستیم و به این جنبش پیوستیم. هرگونه حمایتی توانستند انجام دادند؛ توان اطلاعاتی، توان رسانه‌ای و توان مالی را به کار گرفتند و الحمدلله هم هیچ موفقیتی نداشتند.

**فرهنگ پویا: این‌گونه که مسئولان امر به ویژه وزارت اطلاعات اعلام کرده است، در جریان هتک حرمت روز عاشورا، ردیای عوامل بهایی و منافق کاملاً پررنگ بود. نظر شما در این مورد چیست؟**

**دکتر شریفی:** با توجه به تخصص و شناختی که نسبت به فرقه‌های



گفته می‌شود نزدیک ۲۰۰ گروه معنویت‌گرا در کشور فعال هستند. معنویت‌های نوظهوری که تحت تأثیر لیبرال دموکراسی آمریکا هستند و همه مبانی غرب را دارند.



و جلو ببرند. یکی از فجایعی که در این اغتشاشات رخ داد و واقعاً هم خیلی سنگین برای کشور ما تمام شد، قتل خانم ندا آقاسلطان بود. کشورهای غربی هنوز هم از این قضیه خیلی سوء استفاده می‌کنند. الان بورس ندا آقاسلطان ایجاد کرده‌اند. در برخی از دانشگاه‌های غربی می‌خواهند میدان و خیابان به نام او بکنند. این خیلی جالب است. از نگاه سؤال شما، به این موضوع می‌پردازم. این فردی که الان تحت تعقیب او هستند و بالای سر این خانم بوده، آقای ارش حجازی است که تحت پیگرد پلیس ما هم هست. او به انگلستان پناهنده شد و حالا تحویلش نمی‌دهند. بعید نیست که خود ایشان، او را به قتل رسانده باشد. این ارش حجازی، نماینده رسمی آقای پائولو کوپیلو در ایران بود. پائولو کوپیلو کسی است که سال ۱۳۷۹ مرکز گفت‌وگوی تمدن‌های آقای خاتمی و آقای مهاجرانی رسماً از او به عنوان اولین نویسنده غیرمسلمان برای سفر به ایران دعوت کردند و چه استقبالی از او شد. انتشارات اختصاصی به او دادند. حق‌التالیف و قانون کپی رایت در جمهوری اسلامی اجرا نمی‌شود، ولی در رابطه آثار آقای پائولو کوپیلو این مجوز را آقای مهاجرانی و آقای خاتمی به او دادند. نماینده‌اش آقای ارش حجازی است. حجازی دو روز

مذهبی و معنوی فعال در ایران دارم، ردپای اغلب این‌ها قابل نشان دادن است. خیلی هم خوب است اگر صدا و سیما و مراکز اطلاعاتی ما یک فیلم مستندی از این‌ها تولید کنند. گفته می‌شود نزدیک ۲۰۰ گروه معنویت‌گرا در کشور فعال هستند. معنویت‌های نوظهوری که تحت تأثیر لیبرال دموکراسی آمریکا هستند و همه مبانی غرب را دارند. بنده در کتاب «درآمدی بر عرفان حقیقی و عرفان‌های کاذب» نشان داده‌ام که این عرفان‌های نوظهور همه دل در گرو مبانی غرب دارند و همه متأثر از اندیشه‌های غرب هستند. بنده حداقل به عنوان یک محقق ۵۰ تا از این فرقه‌ها را می‌شناسم، منابع و اطلاعاتشان را دارم. بهایی‌ها و منافقین که جای خودشان.



بررسی‌ها نشان داد بسیاری از آن‌هایی که شب‌ها می‌آمدند الله‌اکبر می‌گفتند، بهایی بودند که اصلاً این شعار و اسلام را قبول ندارند. این کار را می‌کردند و الان هم رسماً به نقش خودشان اعتراف کردند و هم چنین افرادی هم که از آن‌ها شناسایی شده‌اند، دستگیر شده‌اند.

قبل از این حادثه وارد ایران شد و یک روز بعد از کشته شدن ندا آقاسلطان رفت و در شبکه بی‌بی‌سی و شبکه‌های خارجی، چه مصاحبه‌ها و چه گزارش‌هایی که نداد. این نقش گروه‌های معنویت‌گرا است. بهایی‌ها به همین شکل به عنوان یک فرقه ضاله خیلی نقش آفرینی کردند. شعارهایی می‌دادند و الله‌اکبرهایی مدتی در تهران رسم شده بود. فکر

کردند با یک الله‌اکبر می‌شود علیه جمهوری اسلامی اقدام کرد. بررسی‌ها نشان داد بسیاری از آن‌هایی که شب‌ها می‌آمدند الله‌اکبر می‌گفتند، بهایی بودند که اصلاً این شعار و اسلام را قبول ندارند. این کار را می‌کردند و الان هم رسماً به نقش خودشان اعتراف کردند و هم چنین افرادی هم که از آن‌ها شناسایی شده‌اند، دستگیر شده‌اند. همچنین برخی از گروه‌های صوفیه مثل گنابادی‌ها خیلی جدی در این عرصه‌ها فعالیت کردند. رسماً و علناً اعلام حمایت از یک کاندیدایی کردند و قطب فرقه گنابادیه هم به همه فقرا اعلامیه داد

منافقین از هر فضایی که بتوانند سوء استفاده می‌کنند، هر چند هیچ نیستند؛ اما برای این که بگویند ما هم حیاتی داریم و هنوز هستیم، یک دمی می‌جنبانند. بدبخت‌تر و بیچاره‌تر از این گروه شاید وجود نداشته باشد. ولی بهایی‌ها و بعضی فرقه صوفیه و برخی از این معنویت‌های نوظهور، از قبل از این حوادث تا بعد آن نقش جدی داشتند. برخی از این گروه‌های معنویت‌گرا مانند فرقه رام الله در همان بحبوحه انتخابات در حرم امام تحصن کردند و در شور و شغف انتخاباتی که اوج گرفته بود، آمده بودند که اهداف خودشان را پیگیری کنند





## فرهنگ پویا: در این برهه حساس، وظیفه‌ی خواص مقبول جامعه‌چیست؟

**دکتر شریفی:** وظیفه‌ی عموم مردم، خواص جامعه، احزاب مدعی ولایت و مدافع حکومت اسلامی، احزاب مدعی ولایت‌گرایی و ولایت‌دوستی و هم‌چنین مدعیان دفاع از جمهوری اسلامی، هوشیاری در مقابل فرصت‌طلبان است. باید بصیرت سیاسی، اجتماعی و بین‌المللی خودمان را دائماً افزایش دهیم. بدانیم و مطمئن باشیم که جنگ جدی

رخ داده است. بپذیریم که ما در حال جنگیم؛ منتها جنگی بسیار پیچیده‌تر از جنگ‌های سخت و نیمه سخت. جنگ نرم است، جنگ اعتقادی است، جنگ ارزش‌هاست، دشمن در عرصه ارزش‌ها، در عرصه باورها و جهان‌بینی به جنگ ما آمده است. در این زمینه، هم خودمان را مسلح‌تر کنیم و هم این‌که روشنگری و بصیرت به جامعه بدهیم. روشنگری الان خیلی مهم است. کاری که امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مواجهه با فتنه‌هایی که داشتند همین‌طور

افشاگری و روشنگری می‌کردند. خواص واقعی ما الان باید افشاگری کنند. نترسند. اقلیت‌ها دو پهلو حرف نزنند که هم این گروه را داشته باشند و هم آن گروه را. این بدترین خیانت است. مبهم حرف زدن در فضای فتنه، خودش به فتنه می‌افزاید. خیلی صریح باید گفته شود. کاری که امیرالمؤمنین علیه السلام می‌کرد. در مقابله با

فتنه‌ها خیلی صریح پرونده طلحه، زبیر، معاویه و خوارج نهروان را رو کرد. گفت شما دنبال چه هستید و چه نقشه‌هایی دارید؟ سریع این را گفت. این بصیرت باید افزایش پیدا کند. روشنگری در سطح جامعه و افشاگری مهم‌تر است.

یک کار دیگر که باید رسانه‌ها انجام بدهند، این است که نشان دهند فتنه‌گران اگر وحدتی دارند، تشکل و وحدت آنها ظاهری است. این‌ها حتی اگر به نتیجه‌ای برسند، به خودشان هم رحم نمی‌کنند. این واقعیتی است که تاریخ فتنه نشان داده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد طلحه و زبیر می‌فرماید این‌ها که در فتنه جمل جمع شدند، و نقش جدی در قتل عثمان داشتند، چه کسانی بودند؟ مروان بن حکم، داماد عثمان بود. او از مدافعان جانی عثمان بود. سعید بن عاص، مغیره بن اخیث، عبدالرحمان بن عوام؛ از یاران غار عثمان خلیفه سوم بودند. این‌ها آمده بودند با دشمنان خونی عثمان در یک جبهه قرار گرفته بودند که فقط علیه امیرالمؤمنین علیه السلام اقدام کنند که آب‌شان هم در یک روز با هم در یک جوی نمی‌رفت. وقتی در کوفه و بصره می‌خواست جنگ جمل

که لازم است از آقای شیخ فلان حمایت کنید. از این جهت مسئولان فرهنگی و امنیتی ما باید خیلی جدی مواظب این گروه‌های معنویت‌گرا و فرقه‌ها باشند. در کشور ما اگر انشقاقی قرار باشد رخ بدهد، از طریق فرقه‌های دینی و فرقه‌های مذهبی است که دشمن به طور جدی برای این قسمت برنامه‌ریزی کرده و یکی از گروه‌ها که به این فتنه دامن زدند، همین فرقه‌ها بودند که نباید از آن‌ها غفلت بشود.

## فرهنگ پویا: چطور می‌شود که فعالیت این فرقه‌ها تا بدین حد مشهود باشد، اما افرادی که ادعای پیروی از خط امام و دلبستگی به انقلاب را دارند، متوجه این مسئله نشوند؟

**دکتر شریفی:** دلایل متعددی دارد. یک عده که ادعای پیروی از خط امام و ولایت و جمهوری اسلامی و انقلاب را دارند، در عمل، خودشان به این‌ها بها دادند. چه کسی مجوز انتشارات اختصاصی به آقای پائولو کوییلو داد و انتشارات کاروان را به نام ایشان ثبت کرد؟ چه کسی حق انحصاری کتاب‌هایش را به خودش داد تا ماهانه میلیون‌ها تومان از درآمد کتاب‌هایش

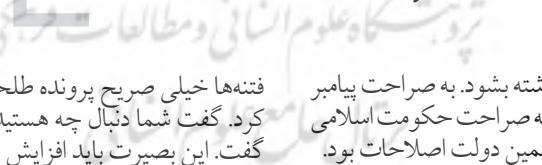
در ایران به حسابش واریز بشود؟ چه کسی مجوز تأسیس رسمی فرقه دینی صدرصد آمریکایی کنکار را داد؟ کنکار که صدرصد آمریکایی است، به صراحت در چهل پنجاه کتاب منتشره‌اش که وزارت ارشاد هم به آن مجوز داده، به صراحت می‌گوید خدای مسلمان‌ها معادل شیطان است. به صراحت می‌گوید

اسلام به درد نمی‌خورد و الان باید کنار گذاشته بشود. به صراحت پیامبر ما را نعوذ بالله دروغگو و آدم جفالی می‌داند. به صراحت حکومت اسلامی را زیر سؤال می‌برد. چه کسی مجوز داد؟ همین دولت اصلاحات بود.

انتظار این است که در دوره جدید و در دولت نهم، با امثال این‌ها برخورد شود. البته جلوی فعالیت مؤسساتی مانند کنکار را گرفتند و تعطیل کردند. جلوی انتشار برخی از کتاب‌های این‌ها را گرفتند، ولی موفق نشدند به نحو کامل انجام بدهند باید هم از نظر علمی و هم از نظر اداری و سیاسی و قانونی در این زمینه به طور جدی کار کرد. ما در برخورد با این موارد خلاهای فکری داریم؛ هم در حوزه و هم در دانشگاه. یک عده حتی از خواص جامعه علمی و حوزوی ما خطر جدی این فرقه‌ها را متوجه نشدند. در کشور ما، مذهب یکی از مؤلفه‌های امنیت ملی است و اگر در این خلل ما تفرقه‌ای ایجاد شود، قطعاً امنیت ملی ما از هم می‌پاشد و مخدوش می‌شود. این خلاها باید با آگاهی‌بخشی و روشنگری پر شود تا ان‌شاءالله این‌ها هم نتوانند کاری پیش ببرند.



**کنکار که صدرصد آمریکایی است، به صراحت در چهل پنجاه کتاب منتشره‌اش که وزارت ارشاد هم به آن مجوز داده، به صراحت می‌گوید خدای مسلمان‌ها معادل شیطان است. به صراحت می‌گوید اسلام به درد نمی‌خورد و الان باید کنار گذاشته بشود. چه کسی مجوز داد؟ همین دولت اصلاحات بود.**





**ما هم باید بصیرت‌مان را نسبت به حقایق و ارزش‌ها و باورها تقویت کنیم تا دشمنان را بشناسیم که دنبال آنها نرویم.**

دانشگاه‌ها است که نظام اسلامی فراهم کرده است. این کار باید به نحو جدی و سریع توسط متخصصین جامعه، دلسوزان نظام اسلامی، دلسوزان ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی پیگیری شود. باید نظام تعلیم و تربیت اسلامی را از زمانی که یک بچه به دنیا می‌آید تا زمانی که در این دنیا هست، برنامه‌ریزی کنیم و با کاری هدفمند، انرژی‌هایمان را پراکنده نکنیم. سه میلیون و پانصد هزار نفر دانشجو و نزدیک چهارده میلیون دانش‌آموز داریم که باید برای این هدفمند برنامه‌ریزی کنیم. نظام آموزش و پرورش واقعا باید تحول علمی جدی در راستای فرهنگ اسلامی پیدا کند.

یکی دیگر و آخرین کاری که باید بکنیم، تقویت دانش دشمن‌شناسی است که نشان بدهیم دشمنان اسلام چه کسانی هستند. این را بفهمیم و وجود دشمن را باور کنیم. تا این هم نباشد، ما نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. طبق گفته عالمان اخلاق اگر کسی بخواهد آدم خوبی باشد، باید دو علم داشته باشد؛ یکی علم به خوبی‌ها و یکی علم به بدی‌ها؛ علم به فضائل و علم به رذایل. هر دو این‌ها برای خوب بودن لازم است. ما هم باید بصیرت‌مان را نسبت به حقایق و ارزش‌ها و باورها تقویت کنیم تا دشمنان را بشناسیم که دنبال آنها نرویم.

رخ دهد، از مکه که حرکت کرده بودند، بیسن راه برای پیش‌نماز شدن طلحه یا زبیر، درگیری ایجاد شد و یاران‌شان روی هم شمشیر کشیدند. معلوم می‌شود وحدت، وحدت ظاهری است. این را باید نشان داد.

دیگر این که باید صف فتنه‌گران و فتنه‌زدگان را از هم جدا کنیم. برخی از گروه‌های مردم به زعم دفاع از حق وارد خیابان شده بودند. عده‌ای دارند علیه آنها حرف می‌زنند. به نظرم این‌طور نیست. مردم خیلی در این عرصه تقصیری نداشتند، فکر می‌کردند دارند از حق دفاع می‌کنند، اما تا فهمیدند حق این طرف است، برگشتند و عملاً این را نشان دادند. این کار باید صورت بگیرد.

مهم‌تر از همه این‌ها این که باید همه‌جانبه تلاش کنیم تا ارزش‌های اصیل اسلامی را در لایه‌های مختلف اجتماعی رواج دهیم. اگر فتنه‌گران از ضعف دینی و اعتقادی مردم استفاده می‌کنند و با ترویج ارزش‌های غربی و ارزش‌های ضد اسلامی زمینه ایجاد فتنه را فراهم می‌کنند، ما بیاییم در مقابل آن ارزش‌های اسلامی را ترویج دهیم و اجازه ندهیم دیگر فتنه‌ای در جامعه اسلامی رخ دهد. حضرت امام علیه السلام در مصاحبه‌ای که قبل از انقلاب داشتند، در توجیه سیستم حکومتی ولایت فقیه می‌فرماید: به دلیل این که ما اعتقاد به توحید داریم، از توحید شروع می‌شود. فرد از خدا، نبوت، معاد به ولایت می‌رسد. ببینیم دشمنان علیه خدا، علیه نبوت و معاد چه قدر شبهه‌پراکنی می‌کنند. جالب است الان ما بیشترین شبهات را در عرصه معاد داریم که به جای آن تناسخ را مطرح می‌کنند. این لایه‌ها را باید قشر نخبه اصلی ما متوجه شوند. نکته دیگری که لازم است به آن اشاره کنم، طرح جامع تعلیم و تربیت اسلامی در آموزش و پرورش است. این زمینه‌ای برای خانواده‌ها و

